

می‌باشد.

با مراجعه به آمارهای منتشره از کشورهای مختلف در زمینه میزان استفاده از حق انتشار پول، این میزان در اغلب کشورها، در طول زمان رو به کاهش بوده و در کشورهای توسعه یافته‌ای مثل استرالیا، انگلیس و آمریکا، این مقدار به کمتر از ۰/۵ درصد محصول ناخالص داخلی می‌رسد. این موضوع، نشان می‌دهد در کشورهای مذکور، به چاپ پول برای تأمین منابع مالی، کمتر اتکا می‌شود. علاوه بر این، حداقل استفاده از حق الضرب پول، می‌تواند شاخصی باشد که استقلال بالای بانک مرکزی را در این کشورها

منعکس می‌کند.

میزان استفاده از حق انتشار پول در ایران، طی سال‌های ۸۶-۶۸، به طور متوسط، ۳ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. این در حالی است که رقم مذکور، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به کمتر از یک درصد کاهش پیدا کرده است. در طی سال‌های ۶۸ تا ۸۶، بین میزان استفاده از حق الضرب پول و نرخ تورم، رابطه‌ای مستقیم مشاهده شده است که لزوم توجه بیشتر سیاست‌گذاران به عواقب ناشی از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را گوشزد می‌نماید. ■

## اثر تأمین اجتماعی بر کاهش فقر در ایران

# بازوی عدالت

**حاکم نبودن عدالت اجتماعی در کشور و اختلاف طبقاتی موجود بین دهک‌های بالا و پایین اجتماعی، لزوم حمایت‌های دولت را از طبقات کم‌درآمد و در قالب طرح‌های تأمین اجتماعی بیش از پیش آشکارتر کرده است.**



در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دنبال افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از برنامه‌های تعدیل اقتصادی و همچنین چرخش سیاست‌های کلی نظام به سمت خصوصی‌سازی و مقررات زدایی، توجه به نظام تأمین اجتماعی و انتظارات از آن افزایش یافته است. از اهداف اساسی نظام تأمین اجتماعی، به طور دقیق، فقرزدایی و کاهش نابرابری از طریق توزیع مجدد درآمد و همچنین حفاظت شهروندان در برابر خطرات اجتماعی و اقتصادی، به ویژه در دوران کهولت را می‌توان نام برد. در ایران، پس از تحت پوشش قرار گرفتن کارگران در سال ۱۳۰۰، لایحه بیمه کارگران در تاریخ ۲۹ آبان سال ۲۲ در مجلس به تصویب نهایی رسید و در سال ۲۴ به اجرا درآمد و نهایتاً، در سال ۴۲ بنا به پیشنهاد وزارت کار به سازمان بیمه‌های اجتماعی تغییر نام یافت. قانون فعلی تأمین اجتماعی در تیر ماه ۵۴ با هدف اجرا و گسترش تمهیدات این مهم و همچنین ایجاد چارچوب نهادینه هماهنگ، بر پایه اصول و اهداف معاصر تأمین اجتماعی تأسیس شد. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارتقای رفاه، فقرزدایی و محرومیت زدایی در زمینه نیازهای اساسی و تمهید بیمه اجتماعی برای همگان، به عنوان هدف اصلی تلاش‌های کشور در بخش اجتماعی اعلام شده است.

جامعه یاری می‌رسانند. نظام تأمین اجتماعی، همواره باید متناسب با نظام مالیاتی حرکت کند، چراکه اگر رابطه علت و معلول بین این دو نظام برقرار نباشد، قطعاً دولت‌های حامی تأمین اجتماعی با کسری بودجه مواجه می‌شوند و عملاً مسأله توزیع درآمد نقض می‌گردد. در واقع همان‌طور که پایه مناسبی برای نظام تأمین اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، باید نرخ مالیاتی مناسبی نیز مشمول دهک‌های درآمدی بالا شود. از طرف دیگر، در صورتی که بخش بیمه‌ای و حمایتی نظام تأمین اجتماعی، هماهنگی مناسبی با یکدیگر نداشته باشند، مشکلات بسیاری پدید می‌آید و حتی ممکن است به کاهش مخارج نظام تأمین اجتماعی به قیمت ثابت منجر شود. توسعه این مهم، به ویژه تخصیص منابع بیشتری به بخش حمایتی و افزایش معقول سطح دریافتی مستمری بگیران، در کنار تسریع رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی و برنامه تنظیم خانواده، می‌تواند موفقیت تأمین اجتماعی را در کاهش فقر به طور معنی‌داری افزایش دهد.

### سطح پوشش مستمری بگیران

بررسی سطح پوشش مستمری بگیران تأمین اجتماعی به لحاظ کمی، تنها در برگرفته تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش این نظام می‌باشد، اما جهت انجام این کار از نظر کیفی، باید میزان حقوق پرداختی به مستمری بگیران، نسبت به خط فقر محک زده شود. در این قسمت، فقط تعداد افراد مستمری بگیر که به طور دائمی از تأمین اجتماعی مستمری دریافت می‌کنند، در نظر گرفته شده و از اعمال پرداخت‌های مقطعی و موردی صرف نظر گردیده است. نسبت تعداد کل مستمری بگیران بیمه‌ای به جمعیت کل کشور از ۰/۰۲ در سال ۷۵ به ۰/۲۷ در سال ۸۰ و ۰/۲۸ در سال ۸۳ رسیده که مبین افزایش سطح پوشش مستمری بگیران در هر مرحله نسبت به مرحله قبل می‌باشد.

همچنین، نسبت تعداد کل مستمری بگیران حمایتی به جمعیت کل کشور از ۰/۰۵۹ در سال ۷۵ به ۰/۰۶۹ در سال ۸۰ رسیده و در سال ۸۳ شاهد کاهش این نسبت به ۰/۰۰۵ می‌باشیم. جهت مقایسه تطبیقی بین دو بعد بیمه‌ای و حمایتی، می‌توان گفت: بعد بیمه‌ای از سال ۷۵ تا سال ۸۳، روندی صعودی، ولی بعد حمایتی با وجود سیری صعودی از سال ۷۵ تا سال ۸۰، در سال ۸۳ روندی کاهشی داشته است، البته تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش بعد حمایتی، تقریباً سه برابر بعد بیمه‌ای بوده که در سال‌های ۸۰ و ۸۳ نیز به ترتیب به ۲/۵ و ۲/۳ برابر رسیده است. این جریان، با بررسی دو بُعد مذکور، بیانگر

فعالیت‌های تأمین اجتماعی در چارچوب اصل ۲۹ قانون اساسی بوده و از سوی دولتمردان و سیاستگذاران، به عنوان مهمترین اهرم برقراری عدالت در جامعه تلقی می‌شود. از میان بردن فقر از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های رفاهی دولت‌ها می‌باشد. در این راستا لازم است، سیاست‌هایی که توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شوند به گونه‌ای پیاده و اجرا گردند تا شکاف موجود بین افراد فقیر و غنی را کاهش دهند. در این جا سعی بر آن است که میزان کاهش فقر و درصد جمعیت فقیر را بر اساس عملکرد نظام تأمین اجتماعی بیان و همچنین با مقایسه‌ای تطبیقی بین بخش‌های مختلف آن، عملکرد آنها در دو بعد بیمه‌ای (تحت پوشش قراردادن بازنشسته‌ها، از کار افتاده‌ها و بازمندگان افراد متوفی) و حمایتی (ارایه خدمات توانبخشی، بازپروری، کارآموزی و غیره) بررسی شود.

### نظام تأمین اجتماعی در دنیا

امروزه همه دولت‌های جهان، در جهت تأمین رفاه اجتماعی فعالیت می‌کنند و با پی‌ریزی نظام تأمین اجتماعی، از جمله پرداخت حقوق بازنشستگی به افراد مسن و همچنین کمک‌رسانی به افراد ناتوان که به دلایل گوناگون از حداقل معیشت و سطح استاندارد زندگی به دور هستند، به افراد

خود نیز زیر خط فقر بوده است. در تمامی موارد بالا، اگر سرپرست خانواده ۴ یا ۵ نفره، منبع درآمد دیگری به جز مستمری دریافتی از کمیته امداد امام خمینی نداشته باشد، عمق فاجعه آشکارتر می‌گردد و این افراد حتی از تهیه و تأمین نیازهای اولیه زندگی خود نیز عاجز و ناتوان خواهند بود.

همچنین متوسط پرداختی سالانه بنیاد شهید و امور جانبازان به خط فقر، دارای روندی صعودی بوده و از ۲/۶۰ در سال ۷۵ به ۵/۰۶ در سال ۸۰ و سپس با کمی کاهش به ۴/۵۰ در سال ۸۲ رسیده است که بیانگر عملکرد نسبتاً مطلوب بنیاد شهید و امور جانبازان می‌باشد.

در یک نگاه کلی، می‌توان بیان کرد که عملکرد بعد بیمه‌ای، به لحاظ کیفی یا میزان پرداخت مستمری به افراد تحت پوشش خود، مطلوب‌تر از بُعد حمایتی بوده است. اما همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، اگر توزیع دریافتی خانوار را بین افراد تحت تکفل فرد مستمری بگیر در نظر داشته باشیم، در این صورت همگی زیر خط فقر خواهند بود.

عدم توسعه تأمین اجتماعی می‌تواند موجب افزایش درصد جمعیت فقیر در کشور گردد، در حالی که توسعه آن با افزایش سهم سالانه از بودجه عمومی کشور و همچنین از محصول ناخالص داخلی و تخصیص منابع بیشتر به بخش حمایتی و افزایش معقول سطح دریافتی مستمری بگیران، می‌تواند موفقیت تأمین اجتماعی را در کاهش فقر به طور چشمگیری افزایش دهد. ■

عملکرد بهتر بعد حمایتی نسبت به بعد بیمه‌ای، از نقطه نظر تعداد افراد مستمری بگیر تحت پوشش این بخش می‌باشد. در این زمینه اشاره به مطالب زیر حایز اهمیت است:

(۱) نسبت متوسط دریافتی مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی به خط فقر، از ۲/۳ در سال ۷۵ با روندی تقریباً صعودی به ۲/۷۴ در سال ۸۳ رسیده است و دریافتی این افراد در سال‌های مورد بررسی، تقریباً ۲/۵ برابر خط فقر بوده است.

(۲) نسبت متوسط پرداختی به مشترکین حقوق بگیر صندوق بازنشستگی کشوری به خط فقر، از ۲/۸۱ در سال ۷۵ به ۴/۰۹۷ در سال ۸۶ رسیده و دارای روندی صعودی بوده است. این روند در سال‌های ۷۷ و ۷۸، با کاهشی محسوس همراه بوده و در ادامه، از سال ۷۹ به بعد روندی صعودی داشته است. این شاخص در بهترین وضعیت خود در سال ۸۱ به ۴/۹۰ رسیده که نشان از عملکرد مطلوب این بخش از تأمین اجتماعی دارد، اما متأسفانه در سال ۸۲ با کمی کاهش به ۴/۲۸ رسیده است.

(۳) متوسط دریافتی سالانه مددجویان دائمی کمیته امداد امام خمینی (ره) به خط فقر، ضعیف‌ترین شاخص بوده و از ۰/۱۵۷ در سال ۷۵ با روند صعودی نسبتاً ضعیفی به ۰/۱۹۶ در سال ۷۸ رسیده و سپس با روندی کاهشی به ۰/۱۵۶ در سال ۸۲ رسیده است که این امر نشان از ثبات و عدم پیشرفت کیفی در میزان پرداخت مستمری به مددجویان دارد. این شاخص در بهترین وضعیت

## اقتصاد جهانی در خطر موج جدید تورم

# اقتصاد جهان در شرف بحران



ورشکستگی بانک‌ها که از بحران بازار اعتباری آمریکا شروع شده است، نگرانی‌های فراوانی را به وجود آورده است. بدتر آن که صندوق بین‌المللی پول (IMF) پیش‌بینی می‌کند، اقتصاد جهانی در نیمه دوم سال ۲۰۰۸، با چالش جدیدی روبه‌رو شود.

بحران مالی - بانکی اخیر ایالات متحده آمریکا که از سال ۱۹۲۹ تاکنون بی‌سابقه بوده، منجر به وقوع پیامدهای منفی فراوانی در بازارهای مالی این کشور گردیده و به سرعت به سایر کشورها در حال سرایت است. در این راستا، می‌توان به

ورشکستگی مؤسسه مالی لیمن و همچنین بزرگ‌ترین مؤسسه پس‌انداز و وام آمریکا، واشنگتن میوچوال، اشاره کرد. به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، علیرغم مصوبه جدید کنگره آمریکا، این مسأله در آینده نزدیک بحرانی‌تر خواهد شد.

به علاوه، تورم شدید در نیمه دوم سال جاری، موجب کندی رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان شده و باعث خواهد شد، اقتصاد کشورهای در حال توسعه با چالش‌های بزرگی مواجه شوند. چشم‌انداز اقتصاد جهانی (WEO) که توسط مؤسسه IMF منتشر شده است، پیش‌بینی می‌کند رشد اقتصادی جهان که در سال گذشته برابر با ۵ درصد بود، در سال جاری به رقم ۴/۱ درصد و در سال آتی یعنی ۲۰۰۹، به رقم ۳/۹ درصد کاهش یابد. گرچه در اوایل سال ۲۰۰۸ رشد اقتصادی در ایالات متحده، منطقه اروپا و ژاپن اندکی بهتر از پیش‌بینی‌های WEO بود، ولی تورم شدید و عدم توانایی کشورها در کنترل این روند، نیمه دوم سال ۲۰۰۸ را به کابوسی برای این کشورها مبدل ساخته است. ژاپن که دارای پویاترین اقتصاد جهان است و همواره از رشد اقتصادی چشمگیری برخوردار بوده، در نخستین روزهای نیمه دوم سال ۲۰۰۸، با چالش‌های شدید اقتصادی روبه‌رو شده و پیش‌بینی می‌شود در تأمین سوخت مورد نیازش، اختلال جدی به وجود بیاید.

پیشرفت و ترقی کشورهای در حال توسعه نیز تحت تأثیر موج جدید تورم جهانی خواهد بود. پیش‌بینی می‌گردد، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه که در سال ۲۰۰۷ برابر با ۸ درصد بوده است، در پایان سال ۲۰۰۸ به رقم ۷ درصد کاهش یابد. رشد

اقتصادی چین نیز که در سال ۲۰۰۷ برابر با ۱۲ درصد اعلام شده بود، به طور یقین با مشکل تورم روبه‌رو خواهد شد و به مقدار قابل توجهی کاهش خواهد یافت. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی چین در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ حدود ۱۰ درصد باشد. البته اگر بازار سوخت و انرژی، بیش از این بحرانی و متشنج نشود. تورم و گرانی بسیاری از محصولات تجاری به دلیل افزایش بهای انرژی، موجب کاهش تقاضا در بازارهای جهانی، به خصوص در بازار کشورهای توسعه یافته گردیده و ادامه روند روبه‌رشد تورم جهانی، موجب ناامیدی کارشناسان از رشد قابل توجه اقتصاد جهانی در سال‌های آتی شده است.

در حالی که پیش‌بینی مؤسسه‌های بین‌المللی بررسی‌کننده اقتصاد و تجارت جهانی همچون IMF، حاکی از کاهش رشد اقتصاد جهانی در سال‌های آتی است، بحران بازار جهانی سوخت و انرژی همچنان ادامه دارد و هر روز قیمت سوخت و در نتیجه قیمت محصولات و کالاهای تجاری بالاتر می‌رود. این روند سریع افزایش تورم، موجب ایجاد چالش‌های مالی جدی در اقتصاد جهانی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه شده است. اما در کشورهای توسعه یافته، فشار بالای تورم به طور یکنواخت، با کاهش تقاضا و افزایش تدریجی و نامحسوس قیمت‌ها کنترل می‌شود و گاهی دولت‌ها با ایجاد ثبات در قیمت‌ها و انتقال بار مالی به کشورهای توسعه یافته و کشورهای مصرف‌کننده محصولاتشان، قدری از شدت تأثیر منفی تورم می‌کاهند. پیش‌بینی می‌شود، موج تورم در سال آتی فراتر از ظرفیت چنین راهکارهایی باشد و ممکن است کشورهای توسعه یافته نیز، دیگر نتوانند فشار تورم را به طور مصنوعی مهار کنند.

در کشورهای در حال توسعه، تبعات منفی تورم خیلی سریع‌تر و عمیق‌تر خود را نشان می‌دهد. بسیاری از این کشورها، مصرف‌کنندگان بزرگ محصولات